



## تجلی زندگی و مرگ در شاهنامه فردوسی

فاطمه قدس نیا<sup>۱</sup>، ابراهیم واشقانی فراهانی<sup>۲</sup>، اکبر شاملو<sup>۳</sup>

۱- (نویسنده مسؤول) دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور.

۲- دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور.

۳- استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور.

### چکیده:

زاده شدن، نقطه آغازین حضور انسان بر روی زمین و مرگ نقطه‌ی پایانی آن است. فاصله این دو نقطه -چه کوتاه و چه بلند- زندگی نام دارد. اهمیت این دو، مخصوصاً پدیده‌ی مرگ به قدری است که همواره ذهن بشر را به خود مشغول داشته است و شاعران و نویسندگان را نیز در این میان، سهمی است عمده و به سزا. برخی با دیدی مثبت و برخی با نگاهی منفی به آن نگریده‌اند و برخی هم راه میانه و تعادل را برگزیده‌اند. فردوسی طوسی، سراینده بزرگ ایرانی از این قاعده مستثنی نیست. در این پژوهش که به شیوه تحلیلی-توصیفی و با داده‌های کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است، پس از بیان دیدگاه چند تن از شعرای فارسی زبان در مبحث زندگی و مرگ، به بررسی نظر این شاعر پرداخته و نشان داده شده است، که زبان ساده شعر فردوسی به همراه جنبه‌ی حماسی اشعار وی، گرچه عشق و امید به زندگی را تا آنجا بیان داشته که پهلوانان، زندگی را از چنگال مرگ بیرون بکشند. اما بی‌اعتباری و پوچی دنیا در سروده‌هایش از جلوه‌ای بارزتر برخوردار است.

**کلید واژه‌ها:** زندگی، مرگ، فردوسی